

پژواک

نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ایهای مبارز انفضالی

۱۲ تیر ۱۳۶۶

ویژه‌نامه

- پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به مردم ایران
- پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به زندانیان سیاسی
- پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به اعضای حزب توده ایران
- قطعنامه کنفرانس تدارکاتی سرتاسری پیرامون نشریه پژواک
- قطعنامه کنفرانس تدارکاتی سرتاسری پیرامون بولتن بحث‌های نظری - سیاسی

مبانی یک هماهنگی سیاسی - نظری به مثابه دیدگاه غالب

در میان جنبش توده‌ایهای مبارز جدا شده از حزب

مقدمه

همه‌جانبه حقوق دموکراتیک رفقای مخالف با این دیدگاه، با موفقیت به انجام رساند.

+++++

در این سند، با یادآوری مجدد این نکته که روند تعمیق شناخت پدیده‌ای به نام حزب توده ایران با قریب به نیم قرن سابقه فعالیت، افشای آن، و نیز ارزیابی و درس‌آموزی از تاثیرات منفی و مثبت حزب بر جنبش کارگری و کمونیستی ایران، به هیچ وجه به پایان نرسیده و جنبش ما آن را جزو وظایف جدی خود به شمار می‌آورد؛ کوشش ما بر این قرار گرفته که شناخت و نفی امروزی خود از انحرافات و اشتباهات حزب را در کنار مواضع و دیدگاه‌های مان نسبت به مسائل مبرم جنبش انقلابی ایران، در دو بخش جداگانه و به اختصار هرچه بیشتر تدوین کرده، فعالیت سیاسی - انقلابی و سازمانی خود را با تکیه بر آن، تا نشست صلاحیت‌دار سرتاسری به انجام رسانیم. باشد که در این راه سترگ، برای شناخت و افشای انحرافات، برای درس‌آموزی از تجارب تلخ گذشته، برای وحدت رزم‌جویانه در میان کمونیست‌ها، برای مبارزه در راه منافع زحمتکشان ایران و سربلندی طبقه کارگر، دوش به دوش دیگرگردان‌های جنبش کمونیستی، تمام توان و شایستگی کمونیستی خود را به کار اندازیم و از این نبرد دشوار ولی افتخار آفرین سرافراز بیرون آئیم.

بخش اول:

در نفی انحرافات تئوریک، سیاسی و سازمانی حزب توده ایران

تجربه غنی مبارزات چند سال اخیر توده‌ای‌های انقلابی و مبارز در درون و سپس در خارج از حزب توده ایران، تاریخ تلاش صدها کادر جوان و انقلابی در راه کسب آگاهی از معایب و انحرافات بنیادین حزب و رهبری آن، تاریخ مبارزه برای مرزبندی با این انحرافات در تمام عرصه‌های تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی و سرانجام

اینک قریب به یک سال از اقدام انقلابی خروج قطعی نیروها و عناصر مبارز و انقلابی از حزب توده ایران می‌گذرد. اقدام رهبران حزب در سرهم‌بندی کردن به اصطلاح کنفرانس ملی، آخرین قطره‌ای بود که تعادل شکننده مبارزات درون حزبی را به نفع درک ضرورت گسست انقلابی از حزب فراهم نمود و متعاقب آن، همه جا سازمان‌های نوین رفقای مبارز جدا شده از حزب برپا گردید. دورانی را که پشت سر گذارده‌ایم، گرچه با بفرنجی‌ها و مشکلاتی همراه بوده است، اما بدون شک ثمرات بسیار با ارزشی نیز به بار آورده، که مهم‌ترین وجه آن تعمیق شناخت همه ما از انحرافات حزب، تعیین مرزهای جداسازی نیروهای انقلابی از اپورتونیسم، رفرمیسم و بوروکراتیسم و استبداد تشکیلاتی حزب و کوشش برای تدوین اسنادی بوده است که بمثابة کارپایه اولیه، مباحثات خلاق و سازنده‌ای را در میان ما فراهم کردند و اینک با قطعیت می‌توان گفت که اصلی‌ترین نکات مندرج در آن‌ها به ایجاد یک هماهنگی عمومی، انسجام سیاسی - نظری و تفاهم متقابل در میان غالب رفقای متشکل در سازمان‌های نوین انجامیده است و از این رهگذر، استحکام تشکیلاتی سازمان‌های نوین، ارتقاء وحدت رزمنده آنان و همبستگی متقابل را میان اعضای این سازمان‌ها در کشورهای مختلف به ارمغان آورده است.

این سطح از هماهنگی، خود دلیل زنده بودن ما، نیاز جدی ما در اتکاء به خرد جمعی و ضرورت کوشش همگانی ما در تعمیق و تصحیح هرچه بیشتر دستاوردهای این جنبش انقلابی بوده است؛ امری که باید راسخ‌تر از همیشه بر آن تاکید کرد و مباحثات ایدئولوژیک را در همه زمینه‌هایی که مبانی نظری و مشی سیاسی ما را تعمیق بخشیده و صیقل دهد، تا آخرین روزهای اعلام موجودیت و بیان هویت، - و نیز پس از آن - با وفاداری به خرد جمعی به پیش برد. به اعتقاد ما اعضای شرکت کننده در کنفرانس تدارکاتی سرتاسری، این مبانی حداقل هماهنگی سیاسی - نظری، بمثابة دیدگاه غالب در میان سازمان‌های نوین جدا شده از حزب، می‌تواند و باید همچون یک چهارچوب عام برای هدایت و سمت‌دهی فعالیت‌های عمومی هیئت موسسان و واحدهای سازمانی تحت نظارت آن، تا برگزاری نشست صلاحیت‌دار سرتاسری، مورد توجه قرار گیرد؛ به نحوی که با اتکاء به آن، هیئت موسسان بتواند وظایف انقلابی خود را با تامین منافع و اهداف عمومی جمع ما، و همزمان با آن، رعایت

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!

حاکمیت ارتجاعی قرون وسطایی، رای به جمهوری اسلامی و توجیه و تائید قانون اساسی ولایت فقیه، آستانبوسی ارتجاع و پرده‌پوشی جنایات خمینی و غیره... متبلور شد. اپورتونیسیم حاکم بر حزب توده ایران، وی را به معامله‌گری‌های سیاسی، تحریف حقایق و تحریف تاریخ جنبش انقلابی ایران، زیر پا گذاردن اصول، "تنوری" بافی و فریب توده‌های حزبی و مردم و زحمتکشان ایران سوق داد.

۲- نفی بوروکراتیسم و استبداد تشکیلاتی:

به اعتقاد ما، فقدان دموکراسی و عملکرد دمکراتیک، عدم رعایت رهبری جمعی، بی‌اعتنائی به مفهوم سانترالیسم دمکراتیک و موازین لنینی تشکیلاتی، به درجات مختلف در دوران‌های مختلف حیات حزب توده ایران وجود داشته و عمل می‌کرده است. رشد تدریجی و بی‌سابقه این پدیده‌های منفی در مهاجرت بویژه در ده سال اخیر، رواج کیش پرستش شخصیت عناصر رهبری بویژه بعد از انقلاب بهمن و نیز بکارگیری شیوه‌های فرماندهی و اطاعت کورکورانه، عدم مشارکت کادرها و اعضاء در زندگی حزبی و در تنظیم و بررسی سیاست و مشی حزب، کاهش نقش توده‌های حزبی و تنزل دادن آن‌ها تا حد مجریان رهنمودهای بالا، فقدان کامل مکانیسم‌های کنترل از پائین و بی‌توجهی کامل به اصل انتقاد و انتقاد از خود... از مظاهر بارز این بوروکراتیسم و استبداد تشکیلاتی به‌شمار می‌روند. نتایج عینی سلطه چنین شیوه‌هایی بر حیات سیاسی حزب، از جمله باعث آن شد که رهبری حزب نزدیک به چهل سال از تشکیل یک کنگره حزبی سر باز زند و سرانجام نیز در بحرانی‌ترین حالات، به سرهم‌بندی کردن نمایشانی از قبیل تشکیل "کنفرانس ملی" به‌پروازد. رواج باندبازی، دروغ‌گویی، فریب توده‌های حزبی و مردم، پرونده‌سازی، تهمت‌زنی و مهم‌تر از همه تکرار اجتناب‌ناپذیر خطاهای فلاکت‌بار گذشته، از جمله عواقب نادیده انگاشتن ضوابط لنینی در درون تشکیلات حزب توده ایران و از عوامل مهم بن‌بست تاریخی آن است.

۳- نفی تفکر و عمل انحرافی در زمینه انترناسیونالیسم پرولتری:

ما معتقدیم که درک حاکم و عملکرد حزب توده ایران در رابطه با انترناسیونالیسم پرولتری، بمثابة یکی از وجوه درهم تنیده انحرافات ارگانیک آن، تاثیر خود را در دوره‌های مختلف زندگی حزب در همه عرصه‌ها، از جمله بر مشی و نظریات تنوریک آن نیز برجا گذاشته است. تجربه مشخص رابطه دو جانبه حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی نشان می‌دهد که چه در گذشته و چه در حال حاضر، این روابط بر پایه اصولی استوار نبوده و در استمرار آن مسئولیت‌ها متقابل و دوطرفه بوده‌اند. به‌نظر ما، علل و عواملی که به‌ایجاد این روابط میان دو حزب انجامید، تحت تاثیر درک و تفکر کمینترنی از روابط میان احزاب کمونیست و نیز سلطه بی‌چون و چرای کیش پرستش شخصیت استالین در میان احزاب کمونیست به‌وجود آمدند و متاسفانه بعدها هم آن تفکر و درک و به‌تبع آن هم این روابط ناسالم، پا برجا ماندند و حتی تقویت شدند. رهبری حزب توده ایران در تمکین به عملکرد این روابط و پذیرش درک و تفکر کمینترنی به‌نوبه خود مقصر بوده است.

۴- نفی مشی فرصت‌طلبانه و دنباله‌روی کورکورانه از یک سلسله

نظریات متداول در جنبش جهانی کمونیستی در رابطه با جنبش‌ها و انقلابات رهائی‌بخش آسیا و آفریقا، پذیرش غیرمسئولانه این‌گونه نظریات بدون بررسی مستقل برای شناخت درست و یا نادرست بودن آن‌ها، بویژه نفی انطباق کلیشه‌ای و مکانیکی این نوع نظریات بر

تاریخ اثبات ضرورت گسست قطعی و برگشت‌ناپذیر نیروهای انقلابی درون آن، از کل سیستم معیوب حزب توده ایران است.

مضمون اصلی این مبارزات، نبرد میان دو سیستم فکری کاملا متضاد، دو اعتقاد بکلی متفاوت از اصالت طبقه کارگر و نقش آن در انقلاب، دو برداشت آشتی‌ناپذیر از تئوری انقلابی و کسب قدرت سیاسی، دو سبک و شیوه کار تشکیلاتی متباین، دو درک و تلقی متفاوت از نقش و وظیفه کمونیست‌ها در ایران و روابط بین‌المللی آن‌ها بوده است.

بدین‌سان همزیستی این دو سیستم بکلی متفاوت از یکدیگر و متضاد با هم غیر ممکن و گسست قطعی و نهائی آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بود.

این تجربه گران‌قدر که حاصل مبارزه‌ای کم و بیش طولانی و پر فراز و نشیب است، به‌وضوح نشان می‌دهد که تضاد میان نیروها و عناصر انقلابی با مجموعه ارگانیک انحرافات حزب، که بارزترین وجه موجودیت آن است، تضادی است آشتی‌ناپذیر که امکان هرگونه تکامل سالمی را در درون آن غیر ممکن می‌سازد. به‌همین دلیل انقلابیون کمونیستی که زمانی آرمان‌های خود را تحت نام این حزب می‌جستند، دیگر راهی جز قطع رابطه کامل و بازگشت‌ناپذیر با آن ندارند.

با الهام از این تجارب و جمع‌بندی آن‌ها، مبانی مرزبندی خود را با حزب توده ایران، بمثابة حزبی که به‌بن‌بست تاریخی خود رسیده و رسالت خویش را بکلی از دست داده است، در عرصه‌های زیرین اعلام می‌کنیم:

۱- نفی رفرمیسم و اپورتونیسیم:

در اینجا به‌طور کلی مظاهر رفرمیسم را در تئوری و سیاست حزب توده ایران، نقطه نظرات، مواضع و پراتیکی می‌دانیم که به‌جای حرکت از مبارزه طبقاتی از موضع طبقه کارگر و متحدین وی، بویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به‌صورت امید بستن به‌اصلاحات از "بالا"، ارائه نظریه "پیدائی‌گرایی نو در حاکمیت"، "عقب‌نشینی رژیم" و غیره... خود نمائی می‌کرده است. استمرار همین ویژگی‌ها پس از انقلاب بهمن، به‌صورت امید بستن به‌درگیری جناح‌های حکومتی و کوشش برای نفوذ در آن‌ها، کرنش در برابر عامل قدرت و انحراف از توجه به‌رسالت طبقه کارگر در هدایت مشی و سیاست حزب، کم‌ایمانی به‌اهمیت واقعی سازمان طبقه کارگر و عملاً ناتوانی در تأمین نقش تاریخی وی در سرگردگی انقلاب و تعمیق و هدایت آن به‌سوی سوسیالیسم... جلوه‌گر شده است. روگردانی از سیاست مستقل پرولتری و نادیده گرفتن منافع واقعی طبقه کارگر به‌امید جلب رضایت و اطمینان حاکمیت، از جمله مظاهر دیگر رفرمیسم به‌شمار می‌آید.

مظاهر اپورتونیسیم سیاسی را در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، به‌صورت انصراف از حمله مستقیم به‌شاه و رژیم سلطنتی، یعنی جدا کردن عامل اصلی اختناق از رژیم مطلق‌العنان حاکم، طرح شعار تخیلی و توهم‌انگیز آزادی فعالیت حزب توده ایران در اوج خفقان اوائل دهه ۵۰، و البته در چهارچوب قانون اساسی - که حفظ سلطنت و تداوم رژیم شاه را دربر داشت - بجای تأکید بر شعار سرنگونی انقلابی حکومت و شکستن دستگاه دولتی و استقرار یک دموکراسی واقعی و پیگیر، پریها دادن به‌روابط ایران و شوروی و امید بستن به‌آن، که بتواند "در اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران تاثیرات مثبتی به‌بار آورد" و رژیم را به "عقب‌نشینی" وادارد، و غیره... می‌توان ترسیم کرد. همین شیوه‌های اپورتونیسیتی و رفرمیستی در دوران بعد از انقلاب، به‌شکل دنباله‌روی از خمینی، انتقال مرکز ثقل سمت‌گیری انقلابی از طبقه کارگر به‌اقتشار غیر پرولتری، انقلابی قلمداد کردن یک

تناقضات موجود، در جریان یک نبرد خونین و بیرحمانه، سلطه کامل و مطلق خود را به تدریج در حاکمیت تثبیت نموده و سایه شوم دیکتاتوری ضد انقلابی را بر سر مردم ایران بدگستراند.

حاکمیت کنونی ایران در جریان این هفت سال، نشان داده است که از نظر مشی سیاسی - اقتصادی و بینش اجتماعی - فرهنگی، عمدتاً منعکس کننده خواست‌ها و تمایلات عقب‌مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین بخش طبقات متوسط شهر و روستا و سرمایه‌داری تجاری در کل آن است. سمت اقدامات حاکمیت بعد از انقلاب، اساساً علیه قشر سرمایه‌داران بزرگ وابسته بود و ماهیت ضد سرمایه‌داری نداشت. نتیجه آن شد که بقیه بورژوازی دست نخورده ماند و بویژه در بخش تجاری گسترش بی‌سابقه‌ای یافت. با گذشت چند سال از حیات جمهوری اسلامی و از طریق هم‌پیوندی بخشی از بورژوازی ایران با جناحی از حاکمیت، (از میان روحانیون، نمایندگان مجلس، مقامات رژیم و عناصری از دولت)، قشر نوینی در حال گسترش است. این قشر، بخش در حال رشد سرمایه‌داری ایران است که نسبت به مجموعه بورژوازی ایران حالت "ممتاز" دارد و در تقویت نیروهای سرکوب رژیم و قلع و قمع خشن مخالفین جمهوری اسلامی که در حقیقت مخالفین و دشمنان طبقاتی وی هستند، نفع مستقیم دارد.

"ولایت فقیه" اساس ایدئولوژیکی و ساختاری حاکمیت کنونی ایران و بیانگر خصلت قویا واپسگرایانه و جوهر استبدادی و خودکامه آن با ظاهرسازی‌های پوپولیستی وی است.

مشخصه‌های اصلی رژیم کنونی را ماهیت بدغایت استبدادی - ارتجاعی آن، آشتی‌ناپذیری و تعارض آشکار آن با حاکمیت مردم بر مردم و خصومت آن با آزادی‌های دمکراتیک، فعالیت‌های سندیکائی و صنفی کارگران و زحمتکشان و دشمنی سرسختانه‌اش با کمونیسم، حقوق بشر، فرهنگ و مدنیت مشخص می‌سازند.

با توجه به این خصوصیات اصلی و تعیین کننده حاکمیت جمهوری اسلامی، مبارزه بی‌امان برای سرنگونی بلاشرط رژیم استبدادی و ضدانقلابی حاکم، مبرم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه کمونیست‌ها و سایر نیروهای مترقی و دمکرات میهن ما است.

۲- مرحله انقلاب ایران و امر سرکردگی آن:

به اعتقاد ما، حل تضادهای کنونی جامعه ایران، فقط در شرایط تحقق یک انقلاب دمکراتیک با سنت‌گیری سوسیالیستی امکان‌پذیر خواهد بود تا بتواند دگرگونی‌های اساسی در صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی کشور در جهت تأمین منافع کارگران و دهقانان و سایر اقشار محروم و ستمکش بوجود آورد. تحقق پیگیر وظایف دمکراتیک انقلاب به‌عقد حل قطعی تضادهای جامعه و نیز شرط لازم برای هدایت آن بسوی سوسیالیسم، تنها و تنها به سرکردگی طبقه کارگر امکان‌پذیر است و باقی‌گذارن هر نوع ابهام در این مورد، از جمله اینکه گویا رهبری طبقه کارگر تنها در مرحله نهائی گذار به سوسیالیسم ضرورت خواهد داشت، در عمل نتیجه‌ای جز خلع سلاح طبقه کارگر و دنباله‌روی از خرده‌بورژوازی و نهایتاً بورژوازی در بر نخواهد داشت.

طبقه کارگر و متحدین وی، یعنی دهقانان غیر مرفه، تهیدستان شهری و نیمه‌پرولترها، خرده‌بورژوازی غیرمرفه شهری و سایر اقشار میانی (دانشجویان، معلمین، کارمندان و سایر روشنفکران زحمتکش)، نیروهای محرکه این انقلاب را تشکیل می‌دهند.

اوضاع و احوال اقتصادی - سیاسی و اجتماعی ایران، بدون ارزیابی مشخص و دقیق از شرایط عمومی و ویژگی‌های آن. در این رابطه بویژه می‌توان از تئوری‌های راه رشد غیرسرمایه‌داری، دمکراسی انقلابی و مسئله هژمونی طبقه کارگر، چه در انقلاب ملی - دمکراتیک و چه در سمت‌گیری سوسیالیستی سخن گفت که در مواردی هنوز از قطعیت تئوریک و تجربه عملی برخوردار نبودند و در بسیاری موارد نیز تجربه‌های تاریخی نادرستی آن‌ها را به اثبات رسانیده است. با این حال حزب توده ایران، همین بررسی‌ها را تا حد اسناد ایدئولوژیک جا افتاده مارکسیستی - لنینیستی پذیرفت و بدون تجزیه و تحلیل آن‌ها و بویژه انطباق خلاقشان با شرایط مشخص اقتصادی - اجتماعی ایران، راهنمای عمل خود قرار داد.

۵- نفی اصل مطلق کردن تضاد ضد امپریالیستی و جدا ساختن آن از ستون دمکراتیک جنبش و قربانی کردن آزادی‌های دمکراتیک که از ضروری‌ترین عناصر حیات اجتماعی است. در همین رابطه باید از معیار اصلی قرار دادن جنبه ضد امپریالیستی و مطلق کردن آن در ارزیابی از یک جنبش یا شخصیت اجتماعی نام برد که ضرورتاً به نادیده انگاشتن و یا کم‌بها دادن به‌عرضه‌های دیگر مبارزه، یعنی آزادی و عدالت اجتماعی منجر می‌گردد. حال آنکه حتی جهت ضد امپریالیستی انقلاب نیز فقط در بطن و زمینه یک جامعه آزاد و دمکراتیک می‌تواند گسترش پیدا کرده و تضمین گردد.

بخش دوم

دیدگاه‌های ما درباره برخی از مسائل مبرم جنبش انقلابی ایران

۱- انقلاب بهمن ۵۷ و حاکمیت:

انقلاب بهمن در شرایطی صورت گرفت که سرمایه‌داری بر همه روابط تولیدی کهنه و ساختارهای پیش از سرمایه‌داری رخنه کرده و به‌شبه تولید مسلط مبدل شده بود. روند حرکات انقلابی با شرکت وسیع توده‌ها با هرچه نزدیک‌تر شدن لحظه قیام پیروزمند بهمن، خصلت مردمی یافت و جنبه‌های ضد رژیم استبدادی، ضد سلطنتی و حامی آن امپریالیسم امریکا، برجسته‌تر شد. با ورود فعال و تعیین کننده کارگران به‌عرضه مبارزه، این روند عمیق‌تر شده و جنبش رادیکال‌تر گردید.

انقلاب بهمن ۵۷، گرچه از عهده انجام وظایف ضد سلطنتی و تا حدی ضد امپریالیستی و ضد وابستگی سیاسی کشور برآمد و نیز در دورانی کوتاه و گذرا، آزادی‌های دمکراتیک را تا حدودی تأمین نمود، اما در حل مسئله اساسی انقلاب، یعنی بروی کار آوردن یک حاکمیت دمکراتیک انقلابی که به‌تواند دستاوردهای انقلاب را به‌جلو رانده و تعمیق بخشد، با شکست مواجه شد.

حاکمیت برآمده از انقلاب بهمن ۵۷، حاکمیت انقلابی نبود. بویژه که به‌لحاظ حضور فعال روحانیت و بویژه روحانیت طرفدار "ولایت فقیه" در حاکمیت و نقش هژمون آن و ماهیت به‌غایت ارتجاعی و استبدادی‌اش، حاکمیت برخاسته از انقلاب، از همان آغاز، نیروی فعال و در حال رشد ارتجاع سیاه، واپسگرا و ضد کمونیستی را در بطن خود داشت. این نیرو توانست با بهره‌گیری از همه امکانات و

پیش به سوی تشکیل حزب واحد طبقه کارگرایان!

۳- تشکل طبقه کارگر و وحدت کمونیست‌ها، شورای متحد هماهنگی چپ مارکسیستی؛ مبارزه برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران، از اتحاد همه

گردان‌های کمونیستی ایران، اصلی‌ترین وظیفه ما را تشکیل می‌دهد. این کار تنها از طریق تلاش مستمر و صادقانه و با اجتناب از گرایش‌های فرقه‌گرایانه تک‌تک گردان‌های جنبش کمونیستی امکان‌پذیر است. در عین حال وحدت گردان‌های کمونیستی ایران از جمع مکانیکی آن‌ها حاصل نمی‌شود. چنین وحدتی از راه تکامل و ارتقاء گردان‌های مختلف و دستیابی به همگرایی‌های سیاسی - نظری، دست کم در اصلی‌ترین زمینه‌هایی که جنبش کمونیستی ایران به آن نیاز دارد، امکان‌پذیر است.

۴- جبهه متحد مردمی: هدف از تشکیل چنین جبهه‌ای، سازماندهی کارگران و زحمتکشان و سایر نیروهای مردمی برای انجام پیروزمند انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی، تشکیل حکومت و اجرای برنامه اعلام شده این جبهه است. نیروهای متشکله "جبهه متحد مردمی" عبارتند از حزب واحد طبقه کارگر و در صورت فقدان آن شورای متحد هماهنگی چپ مارکسیستی، سایر نیروهای دمکرات انقلابی و دمکرات ملی، نظیر حزب دمکرات کردستان ایران که "ایجاد یک جامعه دمکراتیک سوسیالیستی" را آرمان نهایی خود قرار داده و نیز شخصیت‌های منفرد کمونیست و دمکرات انقلابی و دمکرات ملی هوادار سوسیالیسم و عدالت اجتماعی.

از سوی دیگر، انجام پیروزمند یک انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی، جز از راه ائتلاف طبقاتی کارگران با سایر طبقات و نیروهای غیر پرولتری امکان ندارد و هژمونی طبقه کارگر در چنین ائتلافی شرط ضروری و ضروری و ضامن گذار موفقیت‌آمیز آن به سوسیالیسم است. اما نه هژمونی طبقه کارگر خود به خود تامین می‌گردد و نه می‌توان با ادعای رهبری، شرط شرکت خود را در جبهه ائتلافی منوط به پذیرش آن کرد. مقام رهبری هنگامی به طبقه کارگر سپرده خواهد شد که "توده‌های وسیع مردم در جریان کار و مبارزه روزمره، درستی سیاست او و لیاقت رهبری‌اش را بشناسند." (هوشی مین)، و بطور طبیعی و داوطلبانه و دمکراتیک از سرکردگی وی استقبال نمایند.

تشکیل "جبهه متحد مردمی" وظیفه مهم گردان‌های کمونیستی و دورنمای مبارزاتی آن‌ها است. اما بنظر ما مقدم بر آن و لازمه موفقیت آن تشکیل "شورای متحد هماهنگی چپ مارکسیستی" و تلاش برای تعمیق و یکپارچگی این شورا با هدف ایجاد یک ثقل کمونیستی متحد و قوی است.

لذا مسئله تشکل طبقه کارگر، سازماندهی و ارتقاء آگاهی وی برای درک رسالت تاریخی‌اش، مهم‌ترین وظیفه کمونیست‌های ایران است و در این راستا، اتحاد عمل میان گردان‌های کمونیستی ایران و وحدت آنان بر اساس یک کارپایه و مثنی و برنامه انقلابی، با هدف ایجاد حزب واحد طبقه کارگر ایران یک نیاز ناگزیر است.

در اینجا یک‌بار دیگر باید تأکید کرد که بدون وجود یک تشکیلات کمونیستی متحد و نیرومند و رزمنده، خطر آن وجود دارد که بار دیگر نیروهای غیرپرولتری در هر برآمد احتمالی سیاسی، همه قدرت سیاسی را بدست گرفته و کمونیست‌ها به لحاظ پراکندگی در صفوفشان، از اثر بخشی لازم و ایفای نقش موثر خود بازمانند.

با حرکت از این ضرورت جنبش و با در نظر گرفتن شرایط حاضر، ما بمتابه اولین گام تشکیل یک شورای متحد هماهنگی چپ مارکسیستی را - که می‌تواند هر نام مناسب دیگری هم داشته باشد - پیشنهاد می‌کنیم.

۵- ائتلاف دمکراتیک برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی: مسئله مبارزه برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی به فوری‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه مشترک همه نیروهای کمونیست، دمکرات، ملی و آزادیخواه میدل گردیده است. زیرا هم‌اکنون رژیم استبدادی و مطلق‌المنان و مرتجع جمهوری اسلامی بر پایه "ولایت فقیه"، سد راه هرگونه تحول دمکراتیک و هرگونه حرکت انقلابی موثر در کشور است. در مبارزه برای سرنوشتی رژیم کنونی، افزون بر نیروهای خواستار انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی، اقشار اجتماعی دیگر نیز دینفع‌اند. نیروهای دمکرات ملی، سازمان‌های رهبری‌کننده مبارزات خلق‌های ساکن ایران، بخشی از نیروهای ملی - اسلامی، گروه‌های آزادیخواه و شخصیت‌های اجتماعی مترقی و دمکرات از آن جمله‌اند.

به نظر ما در این شورا، افزون بر گردان‌های کمونیستی موجود و فعال، کادرهای با سابقه کمونیست، به شرطی که چهارچوب کارپایه حداقل و اصول دمکراتیک حاکم بر شورای متحد هماهنگی را بپذیرند، می‌توانند شرکت کنند.

بی‌توجهی به گسترش دامنه جبهه براندازی رژیم حاکم، یک خطای جدی سکتاریستی خواهد بود که فقط به دوام دیکتاتوری ضد انقلابی حاکم انجامیده و در عمل انجام هدف استراتژیک انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی را به تعویق خواهد انداخت.

افزافه بر تدوین کارپایه حداقل مشترک و تنظیم اصول دمکراتیک حاکم بر شورا، که از اولین وظایف چنین گردهمایی کمونیست‌های ایران به‌شمار می‌آید، در صورت توافق عمومی از جمله فعالیت‌های زیرین برای تبادل نظر در دستور روز قرار می‌گیرد:

الف: هماهنگ کردن مبارزات صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، بردن شعارهای مشترک مبارزاتی در میان خلق، هدایت مبارزه علیه جنگ و تجهیز آنان در راستای سرنوشتی رژیم؛ ب: تبلیغ شورای متحد هماهنگی از طریق بکارگیری امکانات اعضای آن - رادیو، نشریه، اعلامیه - به قصد معرفی سیمای دمکراتیک، انقلابی و وحدت‌گرای شورا، در میان کارگران و زحمتکشان؛ ج: تامین هماهنگی مثنی و سیاست و فعالیت کمونیست‌ها در داخل ائتلاف‌های بزرگ دمکراتیک، برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی؛ د: فعالیت‌های مشترک در خارج از کشور در زمینه‌های مبارزاتی عام نظیر فعالیت‌های ضد جنگ ایران و عراق، همبستگی با زندانیان سیاسی، شرکت در تظاهرات اول ماه مه، جشن‌ها و سالگردها و غیره؛

پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به مردم ایران

مردم مبارز ایران!

جنگ، مرگ، فقر و اختناقی که امروز بر میهن ما تحمیل شده است، بی‌آمد مستقیم حاکمیت رژیم خونخوار است که ادامه حیات نتگین خویش را در ثروتی زورگویی و سرکوب شما مردم آزاده و شریف ایران می‌بیند.

رژیم مرتجع خمینی، برای تحقق رویاهای ضد مردمی و جهان کشایانه خود، جنگ ناخواسته و نفرت‌آوری را برای مردم ما به ارمغان آورده است. این جنگ مرتکب تا امروز صدها هزار تن از جوانان میهن ما را به کام خود کشیده و شهرها و روستاها و مراکز صنعتی ما را به ویرانه‌های مبدل ساخته است. این جنگ خانمانسوز سال‌هاست بخش بزرگی از منابع و ثروت‌های ملی ما را که می‌بایست در راه رفاه مردم و آبادانی و پیشرفت کشور به مصرف رسد، می‌بلعد و از آن چیزی جز بمب و مرگ، ویرانی و آوارگی و بدبختی و گرانی و کمبود نصیب مردم ما نمی‌گردد.

تحمیل مسلحانه دیکتاتوری مذهبی توسط خمینی و همدستانش، بر تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ما، جهنم تحمل ناپذیری برای همه مردم ایران آفریده است. قحطی، گرانی و بیکاری، غارت و چپاول توده‌های مردم، زندگی دشوار و فقر میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و حقوق بگیران شهر و روستا، لگدکوب شدن هویت انسانی هزاران هزار ایرانی شریف و آگاه، حبس و شکنجه و اعدام گروه کثیری از مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، تعرض سبانه به ابتدائی‌ترین حقوق زنان ایران، کشتار دستجمعی جوانان میهن در قربانگاه جنگ جلوه‌هایی از کابوس شوم زندگی در جهنم خمینی به‌شمار می‌روند. سرکوب خونین و ضد انسانی خلق آزاده کردستان توسط دژخیمان همچنان ادامه دارد و امسال وارد نهمین سال خویش‌گردیده است. رژیم آزادی‌کش و مستبد جمهوری اسلامی نه تنها آزادی بیان و اندیشه بلکه ابتدائی‌ترین حقوق شهروندان را سلب کرده است و مردم در زندگی خصوصی و خانوادگی خود هم از دست کزمه‌های رژیم در امان نیستند. تحمیل سیاست‌های فرهنگی ارتجاعی و عقب‌مانده برجامعه بویژه در موسسات آموزشی و وسایل ارتباط جمعی، محیط تحمل ناپذیری برای مردم و جوانان به وجود آورده است. تفتیش عقاید و سرکوب و فشار علیه هرگونه مخالفتی به سیاست رسمی حاکمیت ضد مردمی بدل گشته است و در این میان اقلیت‌های مذهبی در معرض تضيیقات دائمی قرار دارند. در یک کلام خمینی و رژیم نکبت‌بارش از ایران زندان بزرگ و هولناکی ساخته‌اند، به طوری که کینه و نفرت عمیق مردم ما از این رژیم در سراسر تاریخ معاصر ایران سابقه ندارد.

ما فرزندان وفادار خلق، در برابر این کابوس شوم، با الهام از آرمان‌های کمونیستی، شور انقلابی و شرف انسانی‌مان، خود را در

پیشگاه همه مردم زحمتکش ایران متعهد می‌دانیم با تمام نیرو و توان برای رهایی این مرز و بوم از چنگال جهل و بیداد رژیم خمینی و در راه آزادی، استقلال و آبادانی میهن مبارزه کنیم.

ما که در سال‌های گذشته در صفوف حزب توده ایران و با قصد خدمت به خلق و بهروزی مردم، تمام نیروی خویش را به‌کار گرفتیم، اینک پس از شکست سیاست‌ها و روشن شدن نادرستی تحلیل‌های حزب از ماهیت رژیم مرتجع و جنایتکار جمهوری اسلامی و پس از دنباله‌روی کور کورانه حزب از دار و دسته قرون وسطائی و سفاک "خط‌امام"، با وجدان انقلابی خود این خط‌مشی انحرافی و فرصت طلبانه را محکوم کرده و با گسست قطعی از حزبی که هنوز هم با سماجت از سیاستهای ضد انقلابی گذشته دفاع می‌کند، عزم خود را جزم کرده‌ایم که در کنار خلق، با آرمان‌های خلق و برای خلق مبارزه کنیم.

ما بدینوسیله با مردم مبارز ایران، کارگران و زحمتکشان آگاه و انقلابی میهنمان، با تمام مبارزان راه استقلال و آزادی ایران میثاقی دوباره می‌بندیم تا با اراده‌های آهنین، با قلبی مالا مال از عشق به مردم و نفرت از دشمنان خلق، در این نبرد نابرابر و پرافتخار با رژیم ارتجاع، پیشاپیش خلق و رو در روی مزدوران رژیم، به وظایف انسانی، آزادیخواهانه، میهن پرستانه و کمونیستی خویش عمل کنیم.

مردم مبارز ایران!

رژیم پوسیده خمینی، که دستانش به خون جوانان ایران آلوده است و تا گلو در مرداب جنگ خود ساخته غوطه‌ور شده است، بیش از هر چیزی، از بالا گرفتن امواج ناخشنودی خلق و از چهره‌های برافروخته کارگران و زحمتکشان - که جور بیداد رژیم و ستم سرمایه‌دار را بر گردنه‌های خویش تحمل می‌کنند - بهراس افتاده است. این هراس رژیم را، با آگاهی و تشکل خود به وحشت مرگ مبدل سازید!

با اعتراض گسترده به سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم خمینی، در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، از طریق مقاومت در قبال زورگویی‌های این مرتجعین در زیر پاکداشتن حقوق مردم و نیز در پایمال کردن حقوق زنان کشور، در مقابله با قوانین جابرانه مدنی و برای دستیابی به حقوق دمکراتیک صنفی و سیاسی و در اعتراض و مبارزه علیه بیکاری و کمبود، روند مبارزات خلق برای دستیابی به آگاهی و تشکل به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید و مرگ محتوم رژیم خون آشام خمینی را نوید خواهد داد.

سرتگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!

زنده باد صلح، زنده باد آزادی!

کنفرانس سرتاسری توده‌ای‌های مبارز انحصالی

خرداد ۱۳۶۶

پرتوان باد مبارزه یکپارچه مردم ایران علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!

پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به زندانیان سیاسی ایران

فرزندان آزاده خلق‌های ایران!

در سایه شوم موجودیت رژیم قرون وسطائی ولایت فقیه، ارزان‌ترین "کالا" جان آدمی است. در ایران امروز رژیمی حکومت می‌کند که گلوله و سرنیزه، شلاق، منته کردن، چشم از حدقه درآوردن، دست و پا بریدن، سنگسار کردن، تفتیش عقاید و سرکوب هر دگراندیش و مخالفی، سیاست علنی و رسمی آن را تشکیل می‌دهد. ایران امروز ما در حقیقت به زندان بزرگی برای همه مردم تبدیل شده است.

سردمداران رژیم به این میزان از سرکوب، آزار و شکنجه میلیون ایرانی شریف و آزاده بسنده نکرده‌اند. اینک سال‌هاست ده‌ها هزار تن از بهترین فرزندان خلق به جرم مخالفت با رژیم، به جرم دفاع از آزادی و استقلال میهن، به جرم وفاداری به آرمان‌های خلق، به جرم دفاع از حقوق توده‌های مردم در سیاه‌چال‌های رژیم زیر وحشیانه‌ترین و هولناک‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند و هزاران تن از آنان زیر شکنجه شهید و یا به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. دستگاه امنیتی رژیم از همه تجارب ساواک، سیا و سایر سازمان‌های امنیتی جهانی برای آزار، شکنجه‌های حیوانی، برای انتقام و به‌زانو درآوردن فرزندان دربند خلق بهره می‌جویند. ولی دامنه این جنایت‌ها هراندازه هولناک‌تر باشد، روز سقوط محتمم رژیم نزدیک‌تر است. این حکم تاریخ است.

توده‌های مردم عرصه پیکار و نبرد با دژخیمان جمهوری اسلامی را تا فرجام نهائی ترک نخواهند کرد و سنگر خالی مبارزان دربند را مبارزان نوحاسته در ادامه پیکار انقلابی پر خواهند کرد. حماسه‌های فراموش نشدنی پایداری و مقاومت شما زندانیان سیاسی سرمشق و الهام‌بخش مبارزات مردم ما علیه رژیم بیداد و اختناق است و به جنبش خلق شور و توان می‌بخشد. علیرغم تلاش‌های عمال رژیم و جو ارباب و سرکوب، اخبار مقاومت و قهرمانی‌های شما در میان مردم انعکاس وسیعی می‌یابد و از این طریق نه تنها بر خشم و نفرت توده‌ها افزوده می‌شود، بلکه چهره جنایت‌کار جمهوری اسلامی باز هم بیشتر

نزد افکار عمومی جهان افشاء می‌گردد.

عزیزان دربند!

ما از رزم و مقاومت شما می‌آموزیم. مبارزه سال گذشته شما در زندان‌ها و بویژه اعتصاب غذای شجاعانه شما که به عقب‌نشینی رژیم در برخی زمینه‌ها انجامید بازتابی گسترده در داخل و خارج کشور یافت. ما اراده و عزم شما در پایداری و مقاومت در برابر خیل مزدوران سپاه، کمیته، دادستانی و حاکم شرع را ستایش می‌کنیم و وظیفه اساسی و فوری خود می‌دانیم با همه توان مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی و افشاکاری علیه شکنجه، آزار و کشتار بهترین فرزندان خلق در سیاه‌چال‌های رژیم در داخل و خارج کشور را گسترش دهیم.

همه زندانیان دربند با کرایش‌های سیاسی گوناگون تحت شرایط غیر انسانی و تحمل‌ناپذیر یکسانی در زندان‌های رژیم با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند و شلاق ستم بر گرده‌های خونین همه آن‌ها فرود می‌آید. سرنوشت و مبارزه مشترک زندانیان قهرمان باید سرمشق همه نیروهای انقلابی قرار گیرد و راه اتحاد آنان را در مبارزه مشترک برای دفاع از زندانیان سیاسی، علیه جنک و بیداد و سرانجام سرنوشتی رژیم ضد مردمی و خونخوار جمهوری اسلامی هموار سازد.

- گرامی باد خاطره تابناک همه مبارزانی که در دفاع از آرمان‌های انقلابی خلق خود در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی جان باختند!
- درود بی‌پایان بر حماسه باشکوه مقاومت و رزم زندانیان سیاسی ایران!
- پرتوان باد مبارزه یک‌پارچه مردم ایران علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!
- مرگ بر جمهوری اسلامی!

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری

جنبش توده‌ای‌های مبارز انفصالی

خرداد ۱۳۶۶

درود بی‌پایان بر حماسه باشکوه مقاومت و رزم زندانیان سیاسی ایران!

پیام کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به اعضای حزب توده ایران

رفقای عزیز!

اینک قریب یکسال از خروج یاران دیروز شما از صفوف حزب توده ایران می گذرد. همه شما بیاد دارید، مبارزه درون حزبی ما بر سر چه مسائلی آغاز گردید و چگونه دامنه آن در زمانی کوتاه به سراسر سازمان های حزبی داخل و خارج کشور گسترش یافت. ارزیابی انتقادی و مسئولانه خط مشی گذشته حزب، برخورد انقلابی به مرحله انقلاب ایران و بازبینی مقولاتی مانند راه رشد غیر سرمایه داری، توان و ظرفیت نیروهای غیر پرولتری، نقش و جایگاه طبقه کارگر در جامعه ایران، دموکراسی، انترناسیونالیسم پرولتری و موازین دمکراتیک درون سازمانی مضامین اصلی این مبارزه را تشکیل می دادند.

جلسه نمایشی "کنفرانس ملی" با شرکت دستچین شدگان هیئت سیاسی و با آن شکل مفتضح، دهن کجی آشکار به این خواست های انقلابی و برحق توده های وسیع حزبی و ضرورت های جنبش طبقه کارگر ایران بود و به وضوح نشان داد که رهبری حزب حتی بقول لنین ناقد همان حداقل "نشانه های یک حزب جدی" در برخورد به پراتیک و نظرات گذشته و وظایف آینده خویش است.

در چنین شرایطی برای اغلب نیروها و عناصر سالم درون حزب چاره ای جز ترک انقلابی صفوف آن باقی نماند. ما و بسیاری از شما هنگام جدائی دست کم بر سر یک نکته اساسی برخوردی متفاوت داشتیم. ما ترک صفوف حزب را تنها راه ادامه مبارزه انقلابی برای انزوی اپورتونیسم و رفرمیسم در سطح جنبش می دانستیم و شما بر این باور بودید که با ادامه مبارزه درون حزبی می توان به زدودن این انحرافات و کنار زدن رهبری بی لیاقت، ناتوان و غیرانقلابی آن نائل آمد.

امروز پس از گذشت یک سال می توان در باره اثربخشی مبارزه شما و نتایج مبارزه ما به داوری نشست. رهبری حزب بمثابة بوروکرات های کهنه کار و حرفه ای در پی نمایش "کنفرانس ملی" که بیش از هر چیز هدف ارباب توده های ناراضی حزب را دنبال می کرد، در جریان یک سال فعالیت خود به روشنی نشان داد که تا چه اندازه به اصلاح مشی و سیاست خود و رعایت موازین دمکراتیک درون سازمانی پایبند است. نگاهی به موضعگیری های حزب پیرامون سیاست های سال های پس از انقلاب، برنامه جدید حزب و نیز زندگی درون حزبی نشان می دهند که چگونه در بر همان پاشنه قدیمی می چرخد و هیچ دگرگونی در تفکر و عملکرد رهبری حاصل نشده است. بدون تردید باید افشاکاری های قدیمی ترین کادرهای جنبش کمونیستی مانند رفقا شاندرمنی و آوانسیان و دیگران نشانه های دیگری بر درستی این ارزیابی از رهبری حزب قلمداد کرد.

رفقای عزیز!

ادامه مبارزه یک ساله گذشته ما در خارج از صفوف حزب بویژه در بعد تلاش هدفمند برای دستیابی به یک شناخت دقیق تر و ارزیابی همه جانبه تر از گذشته حزب و نظام فکری - سیاسی حاکم بر آن از هر نظر حائز اهمیت اساسی است. زیرا ما با بازبینی و کاوش تاریخ حزب در ابعاد گوناگون آن و با تکیه بر تجارب عینی مبارزه خود در درون حزب و مبارزات درون حزبی گذشته به این جمع بست پراهمیت دست یافتیم که مجموعه نظام فکری - سیاسی حزب اصلاح پذیر نبوده و هیچ مبارزه درون حزبی برای سالم سازی این سیستم، بدون نفی دیالکتیکی آن به معنای طرد قطعی انحرافات و معایب بنیادی اش و حفظ و ارتقاء تجارب و دستاوردهای مثبت آن به ثمر نخواهد نشست.

به دیگر سخن سیستم فکری - سیاسی حزب و روابط حاکم بر آن قابلیت دگرگونی را ندارد. لذا هر تلاشی در راستای انجام این اصلاحات در درون حزب جز هدر دادن نیروها نتیجه ای در بر نخواهد داشت. کفایت برای محک زدن این جمع بندی قدری پوسته تشکیلات حزبی را بکنار زنید و با چشمان باز به واقعیات بنگرید که چگونه تجربه زندگی، جنبش انقلابی و مردم ما به این سیستم معیوب بدین بست رسیده پاسخ منفی داده اند.

رهبری حزب با شناخت این ضعف ها و با آت های از انزوی کامل حزب در جامعه و میان نیروهای انقلابی، از وحشت اوجگیری موج جدیدی از ناراضی درون حزبی و سد کردن مبارزه نیروهای سالم به موازات نمایش های آبروباخته ای چون "کنفرانس ملی" همه تلاش خود را در جهت ایجاد یک دیوار مصنوعی میان اعضای باقیمانده حزب و نیروهای جدا شده از آن بکار گرفته است. بوروکرات های کهنه کار در ایجاد این دیوار مصنوعی از عوامل متعددی از جمله تبلیغات مبتذل علیه نیروهای انحصالی و تحریف خواست ها و آرمان های انقلابی آن ها گرفته تا سنکر گرفتن در کنار شهدای حزب و جنبش مدد می جویند. اما نه رهبری آبروباخته و منزوی شده حزب و نه هیچ نیروی دیگری نخواهد توانست موج بلند حقیقت را از پیشروی بازدارد و مانع از روشن شدن حقایق مربوط به گذشته و حال حزب گردد.

رفقای عزیز!

اینک در آغاز مرحله نوینی از تکامل خود، وظیفه انقلابی خود می دانیم که بار دیگر کلیه نیروهای سالم باقیمانده در حزب را به جمع بندی مجدد تجارب چند ساله گذشته فراخوانیم. ما معتقدیم که حزب توده ایران، یکبار در آستانه انقلاب بهمن ۵۷، با بهره گیری ماهرانه از وجود ضعف و پراکندگی جنبش چپ ایران و بویژه ناتوانی های سیاسی - نظری حاکم بر آن، توانست بخش مهمی از جوانان مبارز و انقلابی ایران را به صفوف خود جلب کرده و در فاصله کوتاهی آنان را به قربانیان یک سیاست انحرافی اپورتونیستی - رفرمیستی مبدل سازد. به گمان ما، این تجربه تلخ هرگز تکرار نخواهد شد، چرا که جنبش چپ ایران، کارگران و زحمتکشان ایران، در همین دوران کوتاه، اما پر حادثه و پر بار، تجارب گرانبهایی را از سر گذرانیده و بویژه از خط مشی رفرمیستی و راست روانه ضربات جانگاهی بر بدن دارند. اینک روند معکوسی آغاز گشته، که طی آن، جنبش کارگری و کمونیستی ایران، هر روز بیش از پیش، بر غنای نظری خود می افزاید و از ضعف و خطاهای گذشته فاصله می گیرد. در حالیکه برعکس، حزب توده ایران، هر روز به انزوی بیشتری کشانده می شود و چهره "آراسته" اش، با امواج پی در پی افشاکاری ها، برملا می گردد. ما به باقیمانده عناصر سالم درون حزب توده ایران هشدار می دهیم و آنان را در مقابل مسئولیت های خطیر تاریخی شان به بازاندیشی و قضاوت و تصمیم گیری فرا می خوانیم.

بدون شک، جنبش کارگری و کمونیستی ایران و مردم آگاه و زحمتکش میهنمان، کسانی را که به بهانه مصلحت اندیشی ها و یا تردید و سازشکاری، در عمل به پایداری انحرافات یاری می رسانند، نخواهند بخشید.

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری

جنبش توده ای های مبارز انحصالی

خرداد ماه ۱۳۶۶

یاوه‌سراشی بیش نیست.، وظیفه خود می‌دانیم ضمن شرکت فعالانه و انقلابی در مبارزه طبقه کارگر ایران بمتابه بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین عرصه کار و نبرد، در تحقق وظایف انترناسیونالیستی خود کوشا بوده، همزمان از کشورهای سوسیالیستی و دستاوردهای ارزشمند آن‌ها و نیز مبارزه کمونیست‌ها و نیروهای مترقی در سرتاسر جهان در راه صلح و ترقی اجتماعی دفاع کرده و در همه حال جایگاه خود را در کنار جبهه جهانی انقلاب برای پیکار بی‌امان با امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا حفظ نمائیم.

ما نسبت به انترناسیونالیسم پرولتری متعهد بوده و از این رهگذر خود را عضو جدائی‌ناپذیر خانواده احزاب کارگری و کمونیستی جهان قلمداد می‌کنیم و بویژه برای استقرار روابط سالم و برادرانه و پیکارجویانه با احزاب کمونیست و کارگری تلاش خواهیم ورزید.

ما هم‌زبان با سند آخرین نشست جهانی احزاب کمونیست و کارگری معتقدیم که مراعات اکید اصول "همبستگی و پشتیبانی متقابل، احترام به استقلال و برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر" در مناسبات میان احزاب کمونیستی "شرط ضروری توسعه همکاری رفیقانه بین احزاب برادر و تقویت وحدت جنبش کمونیستی است". این اصل راهنمای عمل ماست که "هر حزبی سیاست خود را بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و در نظر گرفتن شرایط مشخص ملی و کاملاً مستقلانه تنظیم می‌کند... و اختلاف نظر در باره این یا آن مسئله نباید مانعی در برابر عمل هماهنگ آن‌ها در صحنه بین‌المللی بویژه در مسائل اساسی مبارزه ضد امپریالیستی باشد".

ما با صراحت کمونیستی وجود و ادامه روابط ناسالم میان حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی را نقض صریح مضامین نقل‌قول‌های پیش‌گفته به‌شمار می‌آوریم و اعتقاد راسخ داریم که یک ارزیابی سالم و شجاعانه و تبیین درست و دقیق مسئولیت‌ها، کمک بزرگی به دستیابی و تامین یک رابطه متقابل و تفاهم‌آمیز انقلابی و اصولی میان کمونیست‌های دو کشور، خواهد نمود.

از همین دیدگاه، ما به آنچه که هم‌اکنون در حزب کمونیست اتحاد شوروی، بویژه بعد از کنگره ۱۷ می‌گذرد، با خوش‌بینی و امید می‌نگریم و تاکید رفیق ژورباچف را که "حزب کمونیست اتحاد شوروی بر آن نیست که احزاب کمونیست باید همواره یکسان بیاندیشند و در تحلیل همه مسائل، هم‌نظر باشند... تنوع اندیشه‌ها به معنی تفرقه جنبش نیست و از سوی دیگر وحدت نیز ارتباطی با هم‌شکلی، دنباله‌روی، مداخله در امور یکدیگر و ادعای یک حزب مبنی بر داشتن انحصاری حقیقت ندارد."، مورد استقبال قرار داده و آن‌را تأییدی بر مواضع اصولی خود که پیکرانه آن‌را طرح و دنبال کرده‌ایم، دانسته و انطباق عملی و واقعی آن‌را به روابط متقابل حزب کمونیست اتحاد شوروی با کمونیست‌های ایرانی طلب می‌کنیم.

۸- دمکراسی در جامعه:

دمکراسی در جامعه از ضروری‌ترین عوامل برای حیات و فعالیت کمونیست‌ها بویژه در کشورهای عقب‌مانده شرق است. زیرا روحیه و زمینه خودکامگی، استبداد، زورگویی، خانجانی سیاسی، نظام پدرشاهی در جوامع عقب‌افتاده آسیائی نظیر ایران، ریشه در گذشته‌های دور دارد.

آگاهی و وظیفه انقلابی ایجاب می‌کند که کمونیست‌ها پرچمدار و پیشاهنگ مبارزه در راه آزادی، نه فقط برای طبقه کارگر بلکه برای سایر اقشار جامعه و مدافعین پیگیر تامین حقوق دمکراتیک تمام خلق و نیز همه اقلیت‌های ملی و مذهبی باشند. هژمونی طبقه کارگر در سایه

را سرتگون سازد، از دست داده است. بقیه از صفحه ۵
از سوی دیگر هم‌اکنون سلطنت طلبان رنگارنگ و از جمله "نهضت مقاومت ملی ایران"، "جبهه نجات ایران" و گروه‌های سیاسی دیگر، با پشتیبانی محافل خارجی و امپریالیستی، از مواضع و دیدگاه‌های طبقاتی سیاسی ویژه خود برای سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار مجدد سلطنت، فعالیت می‌کنند.

در چنین اوضاع و احوالی، تلاش برای ایجاد یک جبهه متحد دمکراتیک، متناسب با نیازهای واقعی و مبرم لحظه به‌قصد سازماندهی مبارزات مردم برای سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی، جبهه متحدی که بطور واقعی خواستار استقلال و آزادی‌های دمکراتیک پیگیر و پایدار باشد و حاکمیت پس از سرتگونی را تا استقرار یک جمهوری دمکراتیک عهده‌دار شود، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

وظیفه جدی کمونیست‌ها شرکت فعال و پیشاهنگ در مبارزه برای سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی، بردن شعارهای خود در میان مردم و حضور مستمر در صفوف کارگران و زحمتکشان و سازماندهی آنان و تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان است. ادامه روند انقلابی در راستای انجام انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی در ارتباط تنگاتنگ با موقعیت کمونیست‌ها در این مقطع مبارزاتی و در پیگیری و تعمیق خصلت دمکراتیک مبارزه توده‌ها برای سرتگونی و در چگونگی اقدام به سرتگونی قرار دارد.

اصول عام حاکم بر چنین جبهه دمکراتیکی که وظیفه سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل دولت موقت را تا برگزاری مجلس موسسان به‌عهده خواهد داشت و در عین حال معیار حداقل برای شرکت ما در آن به‌شمار می‌رود، به‌طور کلی عبارت از

یک کارپایه حداقل ولی روشن است که دربرگیرنده تعهدات زیر باشد: تعهد به تامین دمکراسی پیگیر و واقعی پس از سرتگونی رژیم، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران با مضمون ضد امپریالیستی، تامین خودمختاری کامل به خلق‌های ساکن ایران، تعهد به حفظ اصول دمکراتیک و برابر حقوق در روابط داخلی جبهه دمکراتیک و اجتناب از روحیه انحصارطلبی و اعمال هژمونی خود بر جبهه و پذیرش آزادی عمل و اندیشه برای کلیه اعضا جبهه، با در نظر گرفتن مصالح و تعهدات عمومی و مشترک و نیز ملاحظه حیثیت و اعتبار جبهه.

ناگفته پیداست نیروهای سیاسی سلطنت طلب و نیز معتقدین به مبارزه با رژیم در چهارچوب قانون اساسی موجود از شرکت در چنین جبهه‌ای محروم‌اند.

۶- مسئله ملی:

به اعتقاد ما مسئله ملی در میان خلق‌های ساکن ایران باید بر اساس اصل حق تعیین سرنوشت خلق‌ها و بر پایه تامین حقوق دمکراتیک آن‌ها و جلب اتحاد داوطلبانه آنان در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل و واحد حل گردد.

۷- انترناسیونالیسم پرولتری:

انترناسیونالیسم پرولتری یکی از اصول بنیادین جهان‌بینی کمونیست‌هاست. ما به پیروی از رهنمود لنین که "انترناسیونالیسم در کردار یکی و فقط یکی است و آن تلاشی اینتارگرانه در راه پیشبرد جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشور خویش و پشتیبانی از این مبارزه و این مشی، و فقط این مشی، (از راه تبلیغ، همدردی و کمک مادی)، در همه کشورها بدون استثناء است. بقیه جز دروغ و

قطعه‌نامه کنفرانس تدارکاتی سرتاسری

پیرامون نشریه پژواک

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به هیئت تحریریه "پژواک" ماموریت می‌دهد که از این پس نشریدی پژواک را زیر نظر هیات موسسان منتخب کنفرانس و در چارچوب کلی خطوط سیاسی مصوب کنفرانس با عنوان "پژواک، نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی" تا مقطع اعلام موجودیت منتشر سازد.

در این راستا، لازمست که پژواک:

۱- محل انعکاس و بیان نظرات سیاسی جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی در چارچوب کلی خطوط سیاسی مصوب کنفرانس حاضر باشد.

۲- با در نظر گرفتن عینیت مرحله کنونی حرکت جنبش انقلابی ایران، تا حد توان به تهیه و انعکاس اخبار و اطلاعات مورد نیاز جنبش، با اعتقاد به قدرت واقعیات و با تکیه بر صراحت انقلابی اقدام نماید.

بی‌شک، پژواک با پرداختن بیش از پیش به افشای امپریالیسم، افشای سیاست‌های ضد مردمی رژیم قرون وسطانی حاکم، انعکاس اخبار مبارزه و مقاومت مردم میهنمان، انعکاس مهمترین رویدادها و تحولات جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، جنبش‌های ضد امپریالیستی و جنبش صلح، درج نقطه نظرها و دیدگاه‌های نو در زمینه مسائل جنبش چپ ایران و جهان و همچنین مسایل مربوط به امر اتحاد در میان نیروهای انقلابی میهنمان، در ایفای نقش و ادای وظایف خود در روند حرکت توده‌ای‌های مبارز انحصالی موفق‌تر خواهد بود.

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری
جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی
خرداد ۱۳۶۶

قطعه‌نامه کنفرانس تدارکاتی سرتاسری پیرامون

بولتن بحث‌های نظری - سیاسی

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری به هیئت موسسان منتخب کنفرانس ماموریت می‌دهد که "کمیته تهیه اسناد" را با استفاده از همه امکانات توده‌ای‌های مبارز انحصالی تشکیل دهد و اقدام به انتشار "بولتن بحث‌های نظری - سیاسی جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی" توسط این کمیته نماید.

نظر به اینکه هیئت تحریریه "بولتن بحث‌های داخلی" ماموریت محوله از طرف نشست‌های هماهنگی ثبوتی پاریس (اوت ۱۹۸۶) و کلن (دسامبر ۱۹۸۶) مبنی بر تهیه و تکمیل اسناد ششگانه و تدوین کارپایه اولیه را به پایان رسانده است، کنفرانس تدارکاتی سرتاسری انحلال این هیات تحریریه را اعلام می‌نماید.

"کمیته تهیه اسناد" کارپایه نهائی برای اعلام موجودیت را بر اساس اسناد ششگانه و کارپایه اولیه منتشر شده در بولتن شماره یک و نیز نظرات و پیشنهادات به عمل آمده از سوی رفقای واحدهای مختلف توده‌ای‌های مبارز انحصالی، تدقیق، تعمیق و تکمیل خواهد کرد.

"بولتن بحث‌های نظری - سیاسی" اسنادی را که مستقیماً به اعلام موجودیت و بیان هویت مربوط می‌شوند و مباحث پیرامون این اسناد را منعکس خواهد ساخت. بولتن همچنین محل انعکاس نظرات رفقا پیرامون اسناد ششگانه، کارپایه اولیه و مسائل نظری - سیاسی مورد نیاز توده‌ای‌های مبارز انحصالی خواهد بود.

مقالات ارسالی از طرف اعضای سازمان‌های مختلف جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی بر اساس ضوابطی که هیئت موسسان تعیین می‌کند، در بولتن منتشر خواهند شد. مسئولیت مطالب مندرج در بولتن به عهده هیئت موسسان است که نحوه اعمال آن را کنفرانس حاضر معین میکند.

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری
جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی
خرداد ۱۳۶۶

سازماندهی پیشاهنگ چنین مبارزات مشخص همه‌گیر و بدحقی است که می‌تواند واقعیت عینی بیاید. جنبه متحد مردمی در جریان سازماندهی چنین مبارزاتی است که می‌تواند تحقق بیاید.

مبارزه برای حقوق دمکراتیک، مبارزه برای خواست‌های حیاتی توده‌های مخروم - جامعه - مبارزه - کارگران علیه سرمایه‌داران و دهقانان علیه مالکین را نمی‌شود به‌طور واقعی و وسیعی سازمان داد، مگر آنکه آزادی و امکانات نسبی فعالیت سندیکائی و حداقل آزادی فعالیت احزاب، آزادی مطبوعات، بیان و تبلیغ وجود داشته باشد. همچنین تجهیز آگاهانه و فعالانه توده‌های وسیع خلق علیه امپریالیسم بدون وجود امکانات دمکراتیک، دشوار خواهد بود.

طبقه کارگر در مبارزه برای آزادی، حتی در چهار چوب دمکراسی بورژوائی، بیش از هر طبقه دیگری ذینفع است. زیرا دمکراتیسم طبقه کارگر با دمکراتیسم هر طبقه دیگری بطور بنیادی متفاوت و از همه پیگیرتر و انسانی‌تر است. از سوی دیگر همانگونه که لنین می‌آموزد، فقط طبقه کارگر "قادر است دمکراتیزه کردن رژیم سیاسی و اجتماعی را تا به آخر برساند. زیرا چنین دمکراتیزه کردنی، این رژیم را به دست کارگران خواهد داد." طبقه کارگر و کمونیست‌های ایران باید آزادی‌های بدست آمده، ریشه دوانیده و تعمیق یافته در انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی را با خود به جامعه سوسیالیستی فردا به ارمان برده و در سوسیالیسم جاودانه سازند. زیرا سوسیالیسم و آزادی، از هم تفکیک ناپذیر بوده و دو روی یک سکه‌اند.

از همین‌رو مبارزه برای آزادی و دمکراسی از نظر ما یک شعار زودگذر و تاکتیکی نبوده و از وظایف دائمی ما کمونیست‌هاست که باید تا ساختمان جامعه بی طبقه هم استمرار یابد.

تردید نیست که مفهوم و مضمون آزادی و دمکراسی در جوامع مختلف و صورت‌بندی‌های متفاوت اجتماعی - سیاسی، در جامعه بورژوائی، در رژیم برآمده از انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی و در جامعه کمونیستی متفاوت است و از مرحله‌ای به مرحله دیگر تحول می‌یابد و مضمون نوینی پیدا می‌کند. ولی آزادی اندیشه و بیان ضرورت رشد انسان و جامعه بویژه در جامعه سوسیالیستی است. زیرا همانگونه که مارکس و انگلس می‌آموزند، جامعه سوسیالیستی، اجتماعی از افراد است که در آن "تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل آزادانه همگان است."

در مبارزه برای دمکراسی در جامعه، اولین قدم و حتی اساسی‌ترین قدم را باید از روابط درونی خود کمونیست‌ها آغاز نمود. زیرا آن تشکیلات انقلابی که فاقد حیات دمکراتیک باشد و در آن اعضاء و کادرها به علت داشتن نظر و انتقاد سرکوب شوند، نمی‌تواند حامل دمکراسی واقعی در جامعه باشد.

پیش به سوی تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران!

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!

کنفرانس تدارکاتی سرتاسری
جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی
خرداد ۱۳۶۶

زنده باد صلح، زنده باد آزادی!

توده‌ایهای مبارز تاکنون منتشر کرده‌اند:

- * نامه به رفقا، پائیز ۱۳۶۳
- * نامه به اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران (۱۲۵ اسفند ۱۳۶۳)
- * نامه رفیق بابک امیرخسروی به کمیته بیرون مرزی (۱۱ آبان ۱۳۶۲)
- * نامه توضیحی به رفقای حزبی در رابطه با "اطلاعیه هیئت سیاسی" (مرداد ماه ۱۳۶۴)
- * قدرت، سرشت و راه انقلاب و اتحاد چپ (از شفیع خورشید هندل، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور، ۱۹۸۱)
- * فتاوتهای تاریخی کشورهای مستعمره و وابسته (گلری شیرکوف)
- * پاسخی به "تهمت نامه هیئت سیاسی (شهریور ماه ۱۳۶۴)
- * چه پلنومی می‌خواهیم؟
- * نامه مردم چه می‌گوید؟ (از ب. الوند)
- * استراتژی و تاکتیک حزب بلشویک در مبارزه برای دیکتاتوری پرولتاریا (۱۹۱۷ - ۱۹۰۳)
- * رادیکالیسم چپ، دیکراتیسم انقلابی و سوسیالیسم علمی در کشورهای خاور زمین (از سن. آتایف)
- * نقش انقلاب و اصلاحات در روند تکامل ملی کشورهای خاور (میزگردی از دانشمندان اتحاد شوروی)
- * درباره بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی باید حقیقت را دید و گفت (از سن. ظاهر)
- * یادداشتی برچند اصل در زندگی حزبی (از سن. ظاهر، آذرماه ۱۳۶۴)
- * نظری اجمالی بر ساختار طبقاتی جامعه ایران
- * اطلاعیه اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به اعضا و هواداران حزب (خرداد ماه ۱۳۶۵)
- * سازمانهای حزب توده ایران "پلنوم ۱۹ و کنفرانس ملی" را محکوم می‌کنند
- * "بیانیه مشترک"، نمایانگر بیمای اپورتونیستی "هیئت سیاسی" (از بهروز، آبان ماه ۱۳۶۴)
- * نگاهی کوتاه به طرح برنامه حزب توده ایران (از الوند، بهمن ماه ۱۳۶۴)
- * نامه سرکشاده به کمیته مرکزی حزب توده ایران (دیماه ۱۳۶۴، دسامبر ۱۹۸۵)
- * بررسی و ریشه‌یابی اشتباهات حزب توده ایران در چهار سال اول انقلاب (اردیبهشت ماه ۱۳۶۵، مه ۱۹۸۶)
- * اسناد کنفرانس کشوری اعضای مبارز حزب توده ایران در فرانسه
- * "کنفرانس ملی" و وظایف توده‌ایهای مبارز در قبال آن
- * متن استعفانامه رفیق اکبر شاند رهنمی از عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

برای اشتراک پژواک، بهای آنرا به حساب بانکی ما واریز کنید و رسید بانکی آنرا برای ما بفرستید.

بهای اشتراک:

۶ ماهه معادل ۲۰ مارک آلمان فدرال

یکساله معادل ۴۰ مارک آلمان فدرال

99559 03000
Berliner Bank
Aznavian

حساب بانکی ما:

قابل توجه خوانندگان که با پژواک مکاتبه دارند!

— به تغییر مجدد نشانی پستی پژواک توجه کنید.

— همراه با رسید بانکی حق اشتراک، حتماً برای ما بنویسید که این مبلغ بابت حق اشتراک چه کسی به حساب بانکی پژواک واریز شده است.

پژواک نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ایهای مبارز انفصالی
جدید پژواک: **Postfach 380246** بهای معادل ۱/۵ مارک آلمان فدرال
1000 Berlin 38 **3-7-87** **Pejvak**

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!